

کیمشان

اطعام فقیران

سفارشی ویژه قرآن

هادی مرتضوی

یکی از مستحبات و اعمال نیک انسانی، اطعام به فقیران است. هر چند که در اسلام و آموزه‌های قرآنی سخن از احسان و نیکوکاری و انفاق به فقیران و یتیمان به میان آمده که شامل انواع کمک و یاری نسبت به آنان می‌باشد، ولی اطعام به معنای تأمین غذای فقیران، به عنوان مصداق کامل تمام احسان و نیکوکاری، در قرآن مورد تأکید ویژه قرار گرفته است.

نویسنده در این مطلب با نگاهی به آموزه‌های قرآنی به بررسی اهمیت اطعام فقیران و آثار و پادشاهای آن پرداخته است.

فقر و فقیر در آموزه‌های قرآنی

فقر به معنای نیاز و ضد غناست. در ادبیات فارسی کاربردهای مختلفی برای فقر بر اساس فرهنگ قرآنی وجود دارد. عارفان خود را فقیران واقعی می‌شمارند و بدان افتخار می‌کنند. آنان نیز چون پیشوایان خویش بر این باورند که «الترفق فقری؛ فقر افتخار من است.» هر چند که در تفسیر این معنا از فقر، اختلاف وجود دارد ولی می‌توان با توجه به آموزه‌های قرآنی این گمان را تقویت کرد که مراد از آن، می‌تواند فقر ذاتی انسان به خداوند باشد که در آیه ۱۵ سوره قاطر به آن توجه داده شده است.

در این آیه خداوند فقر و نیاز شدید و همه‌جانبه انسان‌ها به خداوند را مطرح می‌کند و تنها خود را غنی و حمید معرفی می‌نماید. اینکه انسان در همه چیز از هستی و رزق و زندگی و امور دیگر به خداوند وابسته و نیازمند می‌باشد، احسان و ببینشی بسیار خوب است که باید به آن افتخار کرد. هر کسی می‌کوشد تا از نیاز و وابستگی به دیگری رهایی یابد و مستقل شود، ولی اولیای الهی خوشحال هستند که نیاز وجودی ایشان به خداوند است و هیچ‌گاه از وی

خداوند برای فقیران در هر مالی سهیم و حقی قرار داده استست تا به انسان‌ها بفهماند که همه اموالی که در اختیار دارند از آن خودشان نیست. از سوی دیگر، در امور عبادی چون حج و روزه نیز به مسئله اطعام فقیران توجه داده است.

بی‌نیاز نمی‌باشند. چنین بیشش و احساسی است که می‌تواند آدمی را به سوی خداوند سوق داده و زمینه تقرب به سوی وی را فراهم آورد. اولیای الهی از آنجا که خود را در همه چیزشان نیازمند به خداوند می‌یابند بر آن افتخار و مباهات می‌کنند و چنین فقری را عین ثروت و غنا برمی‌شمارند. حضرت موسی(ع) چنانکه آیات ۲۰ و ۲۴ سوره قصص گزارش می‌کند، به خداوند اظهار می‌دارد که در همه چیز نیازمندم و فقیر است. وی از خداوند می‌خواهد تا هر آنچه خیر است نصیب او گرداند، زیرا خیر هر نعمتی است که به خوبی از آن بهره گرفته می‌شود و برای رشد و کمال آدمی مفید است؛ چون بسیاری از نعمت‌های الهی با آنکه نعمت هستند به سبب عدم بهره‌گیری درست از سوی انسان و یا عوامل زار علل ثرونی و بیرونی، به جای آنکه باعث رشد و کمال تقرب آدمی شود می‌تواند به نفعت و گرفتاری تبدیل شود.

خداوند در آیه ۸ سوره ضحی گزارش می‌کند که حضرت محمد(ص) نیز در برهه‌ای از زمان به تنگدستی و فقر قدری دچار بوده است و خداوند وی را از این باره غنی و بی‌نیاز ساخته است. این بدان معناست که فقر مادی نمی‌تواند عامل اصلی باردارندگی از رشد و تعالی آدمی باشد؛ هر چند که سبب مهمی برای آن به شمار می‌آید. از این رو پیامبر گرامی(ص) فقر مادی را یکی از موجبات گرایش به کفر در آدمی معرفی می‌کند و از آن برحذر می‌دارد.

این بدان معناست که آن حضرت(ص) به دیگران فرمان می‌دهد تا به کمک

نیکی و نیکوکاری ، امری پسندیده و ستودنی است. هیچ کس از ارزش و اهمیت آن تردینی ندارد، و این همه بسیاری از مردم گمان می‌کنند که نیکی کردن کاری دشوار است که از عهده آنها بر نمی‌آید. نویسنده در این مطلب سعی دارد با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی، نشان دهد که چگونه می‌توان احسان و نیکی کرد؛ و اینکه این عمل، چگونه با همه عظمت و ارزشی که دارد، کاری بسیار آسان است.

گستره معنایی احسان

احسان به عنوان فضیلت انسانی و عبادتی بزرگ ، همواره از سوی بشر مورد توجه و تشویق بوده است. حتی بسیاری از مردمان با آنکه خود را اهل احسان نمی‌شمارند، به اهل آن احترام ویژه‌ای می‌گذارند و نیکوکاران، از سوی همه، بشمار مورد توجه و ستایش هستند.

اما چرا برای برخی، این عمل، دور از دسترس و کاری سخت می‌نماید و دستیابی به این فضیلت را برای خود، ناممکن و ناشدنی می‌دانند؟ به نظر می‌رسد که برای تبیین مساله و اینکه نیکوکاری ، کاری بس آسان و رسیدن

از روایات بسیاری برمی‌آید که خوشرویی و خوشخویی بهترین احسان و کار نیکی است که انسان به سادگی می‌تواند انجام دهد و پاداشی های بزرگ و سنگین دنیوی و اخروی را از راه آن به دست آورد.

به این فضیلت بسیار سهل است، بهتر است که نگاهی به گستره معنایی آن و سپس مصداق احسان شود، تا دانسته شود که این فضیلت با همه اهمیت و ارزش بلند و ولایش، کاری بسیار آسان و شدنی برای همگان است.

راعب اصفهانی که در فرهنگ و مفاهیم قرآنی، خیره فن می‌باشند، در منشأشناسی واژه احسان به‌ویژه در فرهنگ قرآنی در کتاب ارزشمند مفردات الفاظ قرآنی کرم می‌نویسد: احسان برگرفته از واژه حسن است که در معنا کاربرد دارد. ۱- نعمت بخشیدن به دیگری؛ ۲- کار نیک انجام دادن.

از آیات و روایات بر می‌آید که از نظر ارزش و اهمیت، احسان برتر از عدالت است؛ زیرا عدالت آن است که انسان آنچه بر عهده و وظیفه اوست بدرستی انجام دهد و با آنچه سهم اوست، بگیرد؛ ولی احسان این است که بیش از آن آنچه وظیفه اوست انجام دهد و کمتر از آن چه حق اوست بگیرد و نسبت به بقیه آن گذشت و عفو داشته باشد.

از این تعریف به دست می‌آید که احسان و نیکی کردن، کاری است که از هر کسی بر می‌آید؛ زیرا هر کسی نعمتی که در اختیار دارد می‌تواند، بخشی هر چند اندک را به دیگری ببخشد. این‌که انتظا داشته باشد یا منتی به او گذارد؛ چنانکه می‌تواند با گذشت نسبت به حق، به دیگری احسان کند.

چگونه احسان کنیم؟

اما برای اینکه آسانی نیکی کردن و دستیابی به فضیلت احسان و نیکوکاری را به دست آوریم، تحلیل قرآن را دربار همصادیق آن بررسی می‌کنیم.خداوند در آیات ۸۴ و ۸۵ سوره مائده یکی از مصداق احسان و نیکوکاری را ، امیدواری شخص و عدم یاس از رسیدن به مقام صالحان و نیکوکاران بر می‌شمارد. در حقیقت کسی که امیدوار است که در جزر که صالحان در آید، به خود و خداوند امید بسته است و از نومیدی که از جود لشکر ابلیس و شیطان است رهایی یافته‌است. از این رو خداوند ، امیدواری را به عنوان، یکی از مصداق احسان بر می‌شمارد، تا این گونه نشان دهد که احسان و نیکوکاری همان گونه که فضیلتی بزرگ و ارزشمند است، دست‌یابی به آن برای همگان شدنی است و هرگز دور از دسترس نمی‌باشد.

در حقیقت این احسان، هر چند که احسان به خود و شخصیت‌سازی است، ولی وقتی به صورت خلق‌وخوی بشر در آید آثار آن به دیگری نیز می‌رسد.

معارف

Maaref@Kayhan.ir

مفهوم احسان

نیکوکاران با کمک و احسان به فقیران زمینه جلب محبت الهی را برای خود فراهم می‌آورند و در کارنامه‌شان عنوان نیکوکاران و اهل احسان ثبت و ضبط می‌شود و از آثار و بسرکات این مقام الهی بر خوردار می‌شوند.

مفهوم احسان



خداوند در آیات ۱۴ تا ۱۸ سوره بلد اطعام به مساکین را از صفات اصحاب میمنه یعنی بهشتیان معرفی می‌کند و اینکه یکی از علل بهشتی شدن آنان اطعام به فقیران و مساکین بوده است.

یکی از مصادق مهم احسان و نیکوکاری به فقیران، اطعام آنان است. اطعام به معنای خوراندن غذا و خوراک است. به این معنا که سفرهای اناخته می‌شود و یتیمان و فقیران بر سر آن مهمان می‌شوند تا از آن بخورند. در برخی از موارد اطعام فقیران بر افراد واجب می‌شود. از جمله در مراسم حج خداوند به حاجیان فرمان می‌دهد تا از گوشت قربانی خود فقیران را اطعام کنند. (حج آیات ۲۷ و ۲۸ و ۳۶)
فقیرانی که مورد اطعام قرار می‌گیرند می‌توانند افراد سلاکن یا رهگذر فقیری باشند که نیازمند به غذا هستند (حج آیه ۳۶)
حضرت امام‌صادق(ع) درباره معتر که در این آیه معرفی شده می‌فرماید که معتر همان رهگذری است که بر تو می‌گذرد تا او را اطعام کنی (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص: ۴۹۸، حدیث ۱۳۴)

امام صادق(ع) درباره واژه قانع که در همین آیه مطرح شده نیز می‌فرماید: قانع کسی است که از آنچه به او می‌دهی راضی می‌شود و نسبت به آن ناراحتی، تشروری و دهن کجی نمی‌کند. (همان، ص: ۱۴۴، حدیث ۱۳۴)

اصولا توجه به فقیران در آموزه‌های قرآنی بسیار است. لذا بسیاری از احکام مرتبط با حوزه اقتصادی و مالی به نوعی با فقیران ارتباط داده‌است.
خداوند برای فقیران در هر مالی سهم و حقی قرار داده است تا به انسان‌ها بفهماند که همه اموالی که در اختیار دارند از آن خودشان نیست از سوی دیگر، در امور عبادی چون حج و روزه نیز به مسئله اطعام فقیران توجه داده است و در کفار

(اعراف آیه ۵۶)، نماز (هود آیات ۱۱۴ و ۱۱۵ و لقمان آیه ۳ و ۴) و نیز یقین به آخرت (لقمان آیات ۳ و ۴) اشاره کرد.
بخش دوم به ایشان احسان ورزیم می‌گمان به آرامش دنیوی و اخروی دست می‌یابیم (بقره آیه ۱۷۲) و خداوند نعمت خویش را به ما کامل می‌کند(انعام آیه ۱۵۴) و از امدادات غیبی بهره‌مند شده (تحل آیه ۱۱۲۸) و دعاهای ما اجابت می‌شود.(آل عمران آیه ۱۶۷ و ۱۶۸)

اگر بخوایم گناهان ما ببخشاید شود:هود آیه ۱۱۴) و راه مطمئنی پیش روی خویش بگشاییم(لقمان آیه ۲۲) و از رحمت خاص خداوندی بهره مند شویم.(اعراف آیه ۵۶) و در نهایت رستگاری(لقمان آیات ۳ و ۵) و سعادت دنیوی و اخروی(عمر آل عمران آیه ۱۴۸ و نحل آیه ۳۰) را به دست آوریم و محبوب خداوند شویم(بقره آیه ۱۹۵) می‌بایست از راه احسان و نیکوکاری به‌ویژه به والدین و همسر و فرزندان و خویشان و همسایگان ، اقدام کنیم.

پیامبر اکرم (ص) در این‌باره فرمود: «پس از ایمنان به خداوند سراسر آمد تمام اعمال عاقلانه، مهربانی و نیکی با مردم است؛ چه خوب باشد چه بد.» مستدرک وسائل الشیعه، ج ۲، ص: ۶۷)

خویشان (تحل آیه ۹۰)، و پرداخت زکات (لقمان آیات ۳ و ۴) و پرداخت کالا و هدیه مناسب به زنی که طلاق داده‌شده(همان) از مصادیق احسان است.
دعوت مردم به توحید و کارهای صالح (صافات آیات ۱۲۵ تا ۱۳۱) و شکیبایی در سختی‌ها و نزارحتی:هالیوسف آیه ۹۰ و نحل آیات ۱۲۷ و ۱۲۸)
گذشت از لغزش‌های دیگران (آل عمران آیه ۱۳۴ و مائده آیه ۱۳) و سازگاری و صلح و نیز مصالحه کردن در مسائل خانوادگی (نساء آیه ۱۱۸) و رعایت حال کهنسالان(یوسف آیه ۷۸) از دیگر مصداق احسان است.

از آیات ۱۰۲ تا ۱۰۵ سوره صافات بر می‌آید که انجام وظیفه و امتثال امر الهی از مصداق احسان است.
و بخشنده و فروتنی در برابر حق (مائده آیات ۸۲ و ۸۵)
تأمین محرومان و قنار دادن حقی در اموال خود برای نیازمندان (فاریات آیه ۱۶ و ۱۷)
انفاق مال در راه خدا در حال توانگری و تنگدستی (آل عمران آیه ۱۱۲۴)
بخشش به

خویشان (تحل آیه ۹۰)، و پرداخت زکات (لقمان آیات ۳ و ۴) و پرداخت کالا و هدیه مناسب به زنی که طلاق داده‌شده(همان) از مصادیق احسان است. دعوت مردم به توحید و کارهای صالح (صافات آیات ۱۲۵ تا ۱۳۱) و شکیبایی در سختی‌ها و نزارحتی:هالیوسف آیه ۹۰ و نحل آیات ۱۲۷ و ۱۲۸)
گذشت از لغزش‌های دیگران (آل عمران آیه ۱۳۴ و مائده آیه ۱۳) و سازگاری و صلح و نیز مصالحه کردن در مسائل خانوادگی (نساء آیه ۱۱۸) و رعایت حال کهنسالان(یوسف آیه ۷۸) از دیگر مصداق احسان است.

از آیات ۱۰۲ تا ۱۰۵ سوره صافات بر می‌آید که انجام وظیفه و امتثال امر الهی از مصداق احسان است.
و بخشنده و فروتنی در برابر حق (مائده آیات ۸۲ و ۸۵)
تأمین محرومان و قنار دادن حقی در اموال خود برای نیازمندان (فاریات آیه ۱۶ و ۱۷)
انفاق مال در راه خدا در حال توانگری و تنگدستی (آل عمران آیه ۱۱۲۴)
بخشش به

خویشان (تحل آیه ۹۰)، و پرداخت زکات (لقمان آیات ۳ و ۴) و پرداخت کالا و هدیه مناسب به زنی که طلاق داده‌شده(همان) از مصادیق احسان است.

دعوت مردم به توحید و کارهای صالح (صافات آیات ۱۲۵ تا ۱۳۱) و شکیبایی در سختی‌ها و نزارحتی:هالیوسف آیه ۹۰ و نحل آیات ۱۲۷ و ۱۲۸)
گذشت از لغزش‌های دیگران (آل عمران آیه ۱۳۴ و مائده آیه ۱۳) و سازگاری و صلح و نیز مصالحه کردن در مسائل خانوادگی (نساء آیه ۱۱۸) و رعایت حال کهنسالان(یوسف آیه ۷۸) از دیگر مصداق احسان است.

از آیات ۱۰۲ تا ۱۰۵ سوره صافات بر می‌آید که انجام وظیفه و امتثال امر الهی از مصداق احسان است.

خویشان (تحل آیه ۹۰)، و پرداخت زکات (لقمان آیات ۳ و ۴) و پرداخت کالا و هدیه مناسب به زنی که طلاق داده‌شده(همان) از مصادیق احسان است.

دعوت مردم به توحید و کارهای صالح (صافات آیات ۱۲۵ تا ۱۳۱) و شکیبایی در سختی‌ها و نزارحتی:هالیوسف آیه ۹۰ و نحل آیات ۱۲۷ و ۱۲۸)
گذشت از لغزش‌های دیگران (آل عمران آیه ۱۳۴ و مائده آیه ۱۳) و سازگاری و صلح و نیز مصالحه کردن در مسائل خانوادگی (نساء آیه ۱۱۸) و رعایت حال کهنسالان(یوسف آیه ۷۸) از دیگر مصداق احسان است.

از آیات ۱۰۲ تا ۱۰۵ سوره صافات بر می‌آید که انجام وظیفه و امتثال امر الهی از مصداق احسان است.

خویشان (تحل آیه ۹۰)، و پرداخت زکات (لقمان آیات ۳ و ۴) و پرداخت کالا و هدیه مناسب به زنی که طلاق داده‌شده(همان) از مصادیق احسان است.

دعوت مردم به توحید و کارهای صالح (صافات آیات ۱۲۵ تا ۱۳۱) و شکیبایی در سختی‌ها و نزارحتی:هالیوسف آیه ۹۰ و نحل آیات ۱۲۷ و ۱۲۸)
گذشت از لغزش‌های دیگران (آل عمران آیه ۱۳۴ و مائده آیه ۱۳) و سازگاری و صلح و نیز مصالحه کردن در مسائل خانوادگی (نساء آیه ۱۱۸) و رعایت حال کهنسالان(یوسف آیه ۷۸) از دیگر مصداق احسان است.

شکستن قسم و برخی از مجازات‌ها نیز اطعام به فقیران را به عنوان یک راهکار دفع و رفع عذاب مطرح می‌کند. در آیه ۸۹ سوره مائده اطعام و تغذیه مساکین و فقیران به عنوان کفاره شکستن قسم و یکی از سه عمل اختیاری برای آن مطرح می‌شود. در آیه ۹۵ سوره مائده نیز اطعام مساکین یکی از کفارات تخییری کشتن صید در حرم و در حال احرام مطرح می‌شود و در آیات ۱۸۳ و ۱۸۴ سوره بقره وچوب فدیهِ اطعام به مساکین در صورت طاعت فرسا بودن روزه ماه رمضان جایگزین می‌گردد.

اطعام ششت مسکین در کفاره ظهار کننده در صورت ناتوانی از گرفتن دو ماه روزه (مجادله آیات ۳ و ۴) نیز از جمله مجازات جایگزین است تا این‌گونه به فقیران کمکي شده باشد.

خداوند در آیات ۱۴ تا ۱۸ سوره بلد اطعام به مساکین را از صفات اصحاب میمنه یعنی بهشتیان معرفی می‌کند و اینکه یکی از علل بهشتی شدن آنان اطعام به فقیران و مساکین بوده است.

چنان‌که گفته شد فقیران از کسانی هستند که در اموال مردم شریک می‌باشند و حقی در هر مالی دارند. در آیه ۳ سوره ماعون این معنا مورد تأکید است که مساکین دارای سهم غذا در اموال مردم می‌باشند. این مطلب را می‌توان از اضافه طعام به مسکین در آیه به دست آورد که نشانگر استحقاق آنان در غذای دیگران است؛ زیرا دلالت می‌کند که آن غذا، طعام خود مسکین است. (ولا یخص علی طعام المسکین) بنابراین هر مسکینی در هر غذای مردم شریک است. به این معنا که مساکین، هم در مال و هم در غذای دیگران شریک و صاحب حق می‌باشند. بنابراین ثروت‌مندانی که تارک تأمین حقوق مالی مساکین هستند و با حق آنان را از اموال نمی‌دهند، مورد تهدید خداوند هستند و می‌بایست خود را برای عقوبتی سخت آماده کنند. (حشر آیه ۷)
زیرا اطعام نکردن مساکین جرمی بزرگ است. (قلم آیات ۲۴ و ۳۱ و ۲۵)

از نظر قرآن جامعه نباید به‌گونه‌ای باشد که در آن مردمانی گرسنه زندگی کنند. بنابراین هر انسانی به طور طبیعی حقی از غذا و مال دارد و اگر کسی گرسنه یا فقیر باشد، در حقیقت عدالت نسبت به وی رعایت نشده است که دچار چنین تنگدستی شده و از غذا و مال بی‌بهره است.

هدف از تغذیه تهیدستان و مساکین و دعوت مردم به آن برای این است که جامعه از فقر رهایی یابد و انسانس گرسنه‌ای نباشد. کسانی که به آخرت و پادشاه‌های اخروی آن اعتقاد و باور دارند، برای فقیر زدایی از جامعه از طریق اطعام و احسان می‌کوشند. (ماعون آیات ۱ تا ۳)

پادشاه‌ها و کيفرها

اگر انسانی نسبت به فقیران کوتاهی کند می‌بایست خود را آماده عذاب‌های شدید الهی در دنیا و آخرت کند؛ زیرا خداوند ترک اطعام فقیران را عامل هم در حسرت و تأسف (قلم آیات ۱۷ تا ۲۱) و زوال نعمت (همان) و تکبیر دنیایی (همان) و محرومیت از شفاعت (مندر آیات ۴۱ تا ۴۸) و ملامت و بدبختی (قلم آیات ۱۷ تا ۳۰) برمی‌شمارد. بر این اساس هرکسی که می‌خواهد گرفتار تأسف و حسرت و زوال نعمت و سززشش خداوند و بدبختی دنیوی و اخروی نشود می‌بایست به اطعام به فقیران به عنوان یک راهکار مهم توجه کند.

از نظر قرآن تنها کسانی که اهل ذرّوخ هستند (حاحهٔ آیات ۲۵ تا ۳۴)، منکران خداوند و معاد و رستخیز (پس آیات ۴۷ و ۴۸)، کافران (همان) مجرمان (مندر آیات ۴۱ و ۴۴) و شیفتگان مال (فجر آیات ۱۸ و ۲۰) از اطعام فقیران خودداری می‌کنند.

به هر حال اطعام به فقیران و رحمت و محبت به آنان توصیه ویژه خداوند در بسیاری از آیات قرآن از جمله آیات ۱۴ تا ۱۸ سوره بلد است.

کسانی که این‌گونه نباشند و به اطعام و احسان به فقیران توجه کنند از پادشاه‌های دنیوی و اخروی و بی‌سایه و معنوی بهره‌مند می‌شوند. از جمله خداوند در آیات ۲۲ تا ۲۸ سوره انسان از نعمت‌های بهشتی که به اطعام‌دهندگان داده می‌شود خبر می‌دهد و در گزارشی که درباره اطعام اهل بیت(ع) به فقیران بیان کرده به این نعمت‌های مهم و مختلف و متعدد توجه داده است.

بغات بهشتی، حریر و ابریشم بهشتی، خادمان بهشتی، دستبندهای بهشتی، سایه‌ها چرخان‌باز و روح‌فزای بهشتی، سرور و شادی در بهشت، نوشیدن‌های گوارای بهشتی، جامه‌ها و لباس‌های سبزه و نازک و دیدای ضمیم بهشتی، میوه‌های بهشتی و رهایی از عذاب‌های دوزخی از پادشاه‌هایی است که در سوره انسان برای اطعام‌دهندگان بیان شده است.

به هر حال کسانی که می‌خواهند هدایت‌پرورد و عامل به آن باشند و یاز مصداق محسنان گناهان ما ببخشاید شود:هود آیه ۱۱۴) و راه مطمئنی پیش روی خویش بگشاییم(لقمان آیه ۲۲) و از رحمت خاص خداوندی بهره مند شویم.(اعراف آیه ۵۶) و در نهایت رستگاری(لقمان آیات ۳ و ۵) و سعادت دنیوی و اخروی(عمر آل عمران آیه ۱۴۸ و نحل آیه ۳۰) را به دست آوریم و محبوب خداوند شویم(بقره آیه ۱۹۵) می‌بایست از راه احسان و نیکوکاری به‌ویژه به والدین و همسر و فرزندان و خویشان و همسایگان ، اقدام کنیم.

پیامبر اکرم (ص) در این‌باره فرمود: «پس از ایمنان به خداوند سراسر آمد تمام اعمال عاقلانه، مهربانی و نیکی با مردم است؛ چه خوب باشد چه بد.» مستدرک وسائل الشیعه، ج ۲، ص: ۶۷)

برای احسان از هر جهت فراهم‌تر است. از این رو می‌بایست همواره گذشت و عفو نسبت به آنان و مراعات حالات آن را داشته باشیم.

اگر نسبت به ایشان احسان ورزیم می‌گمان به آرامش دنیوی و اخروی دست می‌یابیم (بقره آیه ۱۷۲) و خداوند نعمت خویش را به ما کامل می‌کند(انعام آیه ۱۵۴) و از امدادات غیبی بهره‌مند شده (تحل آیه ۱۱۲۸) و دعاهای ما اجابت می‌شود.(آل عمران آیه ۱۶۷ و ۱۶۸)
اگر بخوایم گناهان ما ببخشاید شود:هود آیه ۱۱۴) و راه مطمئنی پیش روی خویش بگشاییم(لقمان آیه ۲۲) و از رحمت خاص خداوندی بهره مند شویم.(اعراف آیه ۵۶) و در نهایت رستگاری(لقمان آیات ۳ و ۵) و سعادت دنیوی و اخروی(عمر آل عمران آیه ۱۴۸ و نحل آیه ۳۰) را به دست آوریم و محبوب خداوند شویم(بقره آیه ۱۹۵) می‌بایست از راه احسان و نیکوکاری به‌ویژه به والدین و همسر و فرزندان و خویشان و همسایگان ، اقدام کنیم.
پیامبر اکرم (ص) در این‌باره فرمود: «پس از ایمنان به خداوند سراسر آمد تمام اعمال عاقلانه، مهربانی و نیکی با مردم است؛ چه خوب باشد چه بد.» مستدرک وسائل الشیعه، ج ۲، ص: ۶۷)

در تحلیل قرآن ، احسان تنها با فعل و عمل، تحقق نمی‌یابد بلکه گاه ترک کاری خود مصداق کامل احسان است. از این رو بخش عمده‌ای از مصادیق احسان و نیکوکاری را پر بهیز و اجتناب شخص و یا جامعه از کارهای نیکی می‌یابیم

خویشان (تحل آیه ۹۰)، و پرداخت زکات (لقمان آیات ۳ و ۴) و پرداخت کالا و هدیه مناسب به زنی که طلاق داده‌شده(همان) از مصادیق احسان است.

دعوت مردم به توحید و کارهای صالح (صافات آیات ۱۲۵ تا ۱۳۱) و شکیبایی در سختی‌ها و نزارحتی:هالیوسف آیه ۹۰ و نحل آیات ۱۲۷ و ۱۲۸)
گذشت از لغزش‌های دیگران (آل عمران آیه ۱۳۴ و مائده آیه ۱۳) و سازگاری و صلح و نیز مصالحه کردن در مسائل خانوادگی (نساء آیه ۱۱۸) و رعایت حال کهنسالان(یوسف آیه ۷۸) از دیگر مصداق احسان است.

از آیات ۱۰۲ تا ۱۰۵ سوره صافات بر می‌آید که انجام وظیفه و امتثال امر الهی از مصداق احسان است.
و بخشنده و فروتنی در برابر حق (مائده آیات ۸۲ و ۸۵)
تأمین محرومان و قنار دادن حقی در اموال خود برای نیازمندان (فاریات آیه ۱۶ و ۱۷)
انفاق مال در راه خدا در حال توانگری و تنگدستی (آل عمران آیه ۱۱۲۴)
بخشش به

خویشان (تحل آیه ۹۰)، و پرداخت زکات (لقمان آیات ۳ و ۴) و پرداخت کالا و هدیه مناسب به زنی که طلاق داده‌شده(همان) از مصادیق احسان است.

دعوت مردم به توحید و کارهای صالح (صافات آیات ۱۲۵ تا ۱۳۱) و شکیبایی در سختی‌ها و نزارحتی:هالیوسف آیه ۹۰ و نحل آیات ۱۲۷ و ۱۲۸)
گذشت از لغزش‌های دیگران (آل عمران آیه ۱۳۴ و مائده آیه ۱۳) و سازگاری و صلح و نیز مصالحه کردن در مسائل خانوادگی (نساء آیه ۱۱۸) و رعایت حال کهنسالان(یوسف آیه ۷۸) از دیگر مصداق احسان است.

از آیات ۱۰۲ تا ۱۰۵ سوره صافات بر می‌آید که انجام وظیفه و امتثال امر الهی از مصداق احسان است.

خویشان (تحل آیه ۹۰)، و پرداخت زکات (لقمان آیات ۳ و ۴) و پرداخت کالا و هدیه مناسب به زنی که طلاق داده‌شده(همان) از مصادیق احسان است.

صفحه ۸

یک‌شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۶

۱۶ رمضان ۱۴۳۸ - شماره ۲۱۶۴۴

مفهوم احسان

چراغ راه

قرآن درمان‌کننده بزرگ‌ترین بیماری‌ها

قال‌الامام(علی):«فاستشفوه من‌الوالمکم،‌و‌استعنوا‌به‌علی‌لا‌ولکم،‌فان‌فیه‌شفاء‌من‌اکبر‌الداء؛‌وهو‌الکفر‌و‌التفاق،‌و‌الغی‌و‌الضلال»
اسماء‌علی(ع)‌می‌فرماید:‌پس‌درمان‌خود‌را‌از‌قرآن‌بخواهید،‌و‌در‌سخنی‌ها‌از‌قرآن‌یاری‌طلبید،‌که‌در‌قرآن‌درمان‌بزرگ‌ترین‌بیماری‌ها یعنی‌کفر‌و‌تفاق‌و‌سحرشکی‌و‌گمراهی‌است.‌(۱)

۱-‌تهج‌البلاغه-‌خطبه‌۱۲۴

حکایت خوبان

باطل شدن روزه با فحاشی

روزی حضرت محمد(ص) زنی را مشاهده کردند در حالی که روزه بود و به کنیز خود دشنام می‌داد. رسول خدا(ص) غذایی طلبیدند و به آن زن گفتند: از این غذا بخور! زنی که فحاشی کرده بود عرض کرد: من روزه هستم! حضرت محمد(ص) فرمودند: چگونه روزه هستی در حالی که به کنیزت دشنام داده‌ای؟ چه اندک هستند روزه‌داران حقیقی! و چه بسیارند گرسنگی کشندگان! روزه‌داری فقط خودداری از خوردن و نوشیدن نیست! (۱)

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۸۸

پرسش و پاسخ

اختلاف قرائات و تحریف قرآن

پرسش:
آیا اختلاف در قرائات قراء سبعه، موجب اختلاف در معانی و در نتیجه تحریف قرآن نمی‌شود؟
پاسخ:

مفهوم‌شناسی تحریف

تحریف در لغت به معنای «طرف» گوشه- و در اصطلاح علوم قرآنی، تحریف عبارت است از ایجاد تغییر و دگرگونی در مدلول و محتوی کلام (تحریف معنوی). تحریف به معنای زیاد کردن، کم کردن، تبدیل کردن (تحریف لفظی)… (البیان، آیت‌الله خویی، ص ۱۹۸)

علمای شیعه و اکثر علمای اهل سنت، اتفاق نظر دارند که قرآن هرگز تحریف لفظی نشده است؛ هر چند از تحریف معنوی مصون نمانده است. از دیدگاه قاطبه مسلمانان، قرآن موجود، همان قرآنی است که به واسطه جبرئیل امین بر قلب پیامبر اکرم(ص) نازل شده است و تاکنون هیچ دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته و نخواهد گرفت.

قرآن کریم خود به صراحت بر عدم امکان تحریف معنوی مصون نمانده است. (تحریف معنوی). تحریف به معنای زیاد کردن، کم کردن، تبدیل کردن (تحریف لفظی)… (البیان، آیت‌الله خویی، ص ۱۹۸)
علمای شیعه و اکثر علمای اهل سنت، اتفاق نظر دارند که قرآن هرگز تحریف لفظی نشده است؛ هر چند از تحریف معنوی مصون نمانده است. از دیدگاه قاطبه مسلمانان، قرآن موجود، همان قرآنی است که به واسطه جبرئیل امین بر قلب پیامبر اکرم(ص) نازل شده است و تاکنون هیچ دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته و نخواهد گرفت.

قرآن کریم خود به صراحت بر عدم امکان تحریف معنوی مصون نمانده است. (تحریف معنوی). تحریف به معنای زیاد کردن، کم کردن، تبدیل کردن (تحریف لفظی)… (البیان، آیت‌الله خویی، ص ۱۹۸)

علمای شیعه و اکثر علمای اهل سنت، اتفاق نظر دارند که قرآن هرگز تحریف لفظی نشده است؛ هر چند از تحریف معنوی مصون نمانده است. از دیدگاه قاطبه مسلمانان، قرآن موجود، همان قرآنی است که به واسطه جبرئیل امین بر قلب پیامبر اکرم(ص) نازل شده است و تاکنون هیچ دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته و نخواهد گرفت.

قراتت یکی از وجوه محتمله در الفاظ قرآن کریم است که به وسیله یکی از قراء ارائه شده باشد. قرائات مختلف قرآن، که از طریق قراء هفتگانه یا چهارده‌گانه به ما رسیده است، ربطی به متن اصلی قرآن، که بر قلب پیامبر نازل شده است، ندارد و آن‌ها دو امر متغایرند: زیرا سبتر انتقال الفاظ قرآن، بستر نص و تواتر مستقیم است، در حالی که بستر قرائات قرآن، اختیارات و استنباطات قراء در قرائات قرآن است و این قرائات گوناگون، نه دارای تواتر و نه دارای حیجیت است و شیعه معتقد است قرآن بر یک حرف نازل شده است و نه بیشت؛ قال الامامالباقرع(ع)، القرآن واحد نزل من عند واحد لکن الاختلاف یجیی من قبل الرواه»، امام باقر(ع) فرمودند: قرآن یکی است و از طرف یکی نازل